

حب جهاد یا مال دنیا ؟!

کلماتی در رثای مجاهد شهید؛
جمال سلیمانی تقبله الله تعالی

نویسنده؛
أبودعاء خراسانی



عنوان کتاب: سلسله میراث مجاهد (شماره پنجم)

عنوان فرعی: حب جهاد یا مال دنیا؟

نویسنده: ابودعاء خراسانی

نوبت انتشار: اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار: ۷ آبان ۱۳۹۶ ه. ش - ۹ ربیع الثاني ۱۴۳۹ ه. ق

منبع: www.tohidbooks.wordpress.com



سلسلهٔ میراث مجاهد، شمارهٔ پنچم

حب جهاد یا مال دنیا؟

در رثای مجاهد اسلام و دردانه‌ی اهل سنت ایران

أبوالفتح جمال سلیمانی تقبله الله تعالی

نویسنده:

ابودعاء خراسانی

عکسی از مجاهد بزرگوار جمال سلیمانی تقبله الله تعالی



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین الذي فرض الجهاد و أوجب الهجرة و کتب قتال المشرکین و صلی الله و سلم علی نبینا محمد الضحوك القتال و علی أصحابه و أزواجه و ذریته و الآل و بعد؛

خداوند متعال می‌فرماید؛

﴿قُلۡ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمۡ وَأَبۡنَآؤُكُمۡ وَإِخۡوَٰنُكُمۡ وَأَزۡوَٰجُكُمۡ وَعَشِيرَتُكُمۡ وَأَمۡوَٰلٌ ٱقۡتَرَفۡتُمُوهَا وَتِجَٰرَةٞ تَخۡشَوۡنَ كَسَادَهَا وَمَسَٰكِنُ تَرۡضَوۡنَهَآ أَحَبَّ إِلَيۡكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَجِهَادٖ فِي سَبِيلِهِۦ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ٢٤﴾ [التوبة: ٢٤]

«بگو: اگر پدران‌تان، و فرزندان‌تان، و برادران‌تان و همسران‌تان، و خویشاوندان‌تان، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد آن می‌ترسید، و خانه‌هایی که بدان دلخوش هستید، در نزد شما از الله و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب‌تر است، پس منتظر باشید، تا الله فرمان (عذاب) خویش را بیاورد، و الله گروه نافرمان را هدایت نمی‌کند».

حبّ جهاد محبتی است که داخل کمتر قلبی پیدا می‌شود که وجود داشته باشد، آن حبی که اگر در قلب انسان مؤمن وجود داشته باشد باعث می‌شود انسان تمام تعلقات دنیای خودش را رها کند و بسوی محبوبش بشتابد و این شوق لقای الله است که انسان را وادار می‌کند تمام تعلقات دنیایی خودش را رها کند و هجرت کند. یکی از کسانی شود که -نحسبه کذلك والله حسیبه ولا نزکی علی الله احدا- الله متعال در موردشان می‌فرماید:

﴿رِجَالٞ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ٣٧ لِيَجۡزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحۡسَنَ مَا عَمِلُواْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ٣٨﴾ [النور: ٣٧-٣٨]

«مردانی‌که هیچ تجارت و خرید و فروشی آن‌ها را از یاد الله و بر پاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند، (آن‌ها) از روزی می‌ترسند که در آن دل‌ها و چشم‌ها دگرگون (و بی‌تاب) می‌شود(۳۷) تا الله بهتر از آنچه انجام داده‌اند به آن‌ها پاداش دهد، و از فضل خود بر پاداش آن‌ها بیفزاید، و الله هر کس را که بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد(۳۸)».

هیچ تجارت و شهوت و مشغولیتی او را از جهاد و دعا و ذکر خدا و اقامه‌ی دین مشغول نساخت، برادر شهید ما شیخ جمال سلیمانی شخصی بود که در راه الله سختی‌های زیاد کشید و طلب علم کرده و قرآن را حفظ نموده و به توحید دعوت داد و هر کجا که ندای جهاد بلند می‌شد جمال سلیمانی را در آنجا می‌توانستی بیابی، گویا که ابن حزم در حق او گفته بود:

مناي من الدنيا علوم أبثها — وأنشرها في كل باد وحاضر
دعاء إلى القرآن والسنن التي — تناسى رجال ذكرها في المحاضر
وألزم أطراف الثغور مجاهدا — إذا هيعة ثارت فأول نافر
لألقى حمامي مقبلا غير مدبر — بسمر العوالي والرقاق البواتر
كفاحا مع الكفار في حومة الوغى — وأكرم موت للفتى قتل كافر
فيا رب لا تجعل حمامي بغيرها — ولا تجعلني من قطين المقابر

«آرزویم در این دنیا، علم و دانشی است که آن را در هر منطقه و هر جایی نشر کنم، و به سوی قرآن و سنتی دعوت دهم که مردم یاد آن را فراموش کرده‌اند، و در خندق جهاد حاضر شوم و هرگاه که ندای جهاد داده شود؛ اولین کسی باشم که هجرت کرده و شرکت می‌کند!! تا عزت‌مندانه در قله‌های رفیع شرافت و یا دشت‌های پهناور عزت شهید شوم بدون اینکه فرار کنم!! و با کفار در میدان قتال بجنگم، چرا که بهترین کشته‌شدن برای یک جوانمرد، شهادت و کشته‌شدن به دست کفار است، پس ای خدای من! مرگ و خاتمه‌ی من را به غیر از این مکن و مرا از خفتگان در قبرستان و مردگان طبیعی فراش مرگ قرار نده».

ابوالفتح جمال سلیمانی از جمله کسانی بود که در ایران آموزش‌های نظامی را دید و خودش را برای جهاد آماده می‌کرد از جمله کسانی بود که نسبت به ناموس مسلمانش غیرت داشت و بی‌تفاوت نبود، در شهر خودش هرکجا به زن مسلمانی توهین می‌شد با جمال سلیمانی طرف بود بخاطر همین کارها و جهادش در ایران دستگیر شد و سال‌ها در زندان طواغیت بود. در زندان هم از طلب علم دست نکشید و قرآن را حفظ کرد و مظلومان را نصرت داد و برادرانش را برای قیام و جنگ با طواغیت دعوت داده و نصیحت می‌کرد کأنه مي گفت:

﴿۞قُلۡ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍۖ أَن تَقُومُواْ لِلَّهِ مَثۡنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُواْۚ مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا نَذِيرٞ لَّكُم بَيۡنَ يَدَيۡ عَذَابٖ شَدِيدٖ ٤٦﴾ [سبأ: ٤٦]

«(ای پیامبر!) بگو: همانا من شما را به یک (خصلت) اندرز می‌دهم، که: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای الله بر خیزید، سپس بیندیشید که این همنشین شما (= محمد) هیچ‌گونه دیوانگی ندارد، او برای شما جز هشداردهندهٔ پیشاپیش عذاب شدید نیست».

و با شنیدن آوای شیخ ابومحمد العدنانی تقبله الله که خلافت را اعلام کرد برادر ما جمال در زندان بیعت خودش را دوباره تازه کرد. بعد از چندین سال که در زندان بود به مرخصی رفت، سندی که برای او به گرو گذاشته شد یک میلیارد تومان بود، اگر بعد از اتمام مرخصی به زندان برمی‌گشت شاید بعد از مدت کوتاهی مشمول آزادی می‌شد و دوباره آزاد می‌شد ولی او این را قبول نکرد و با طلاق دادن دنیا و تمام چیزهای داخل آن راه هجرت را در پیش گرفت چون که ارزش هجرت و جهاد را می‌دانست و بر الله توکل کرد و راه هجرت را با تمام خطراتی که برایش داشت انتخاب کرد، انگار او بدون جهاد و هجرت احساس زندگی نمی‌کرد همانطورکه ماهی بدون آب زندگی نمی‌کند؛ لذا به این ندای الهی لبیک گفت و راه افتاد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَجِيبُواْ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمۡ لِمَا يُحۡيِيكُمۡۖ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَحُولُ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَقَلۡبِهِۦ وَأَنَّهُۥٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٢٤﴾ [الأنفال: ٢٤]

«ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! (دعوت) الله و پیامبر (او) را اجابت کنید، هنگامی‌که شما را به سوی چیزی فرا می‌خواند که شما را حیات (و زندگی) می‌بخشد، و بدانید که الله میان شخص و قلب او حایل می‌شود، و (بدانید) که به سوی او محشور خواهید شد».

امام ابن کثیر رحمه الله تعالی در تفسیرش از امام عروة بن الزبیر رحمه الله تعالی نقل می‌کند که در تفسیر ﴿لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾؛ (آنچه که شما را زنده می‌کند) فرمود: «للحرب التي أعزكم الله تعالى بها بعد الذل، وقواكم بها بعد الضعف، ومنعكم من عدوكم بعد القهر منهم لكم»؛ «جنگی که الله سبحانه وتعالی با آن شما را بعد از ذلت و خواری، عزت بخشیده است، و با آن شما را بعد از ضعف قوی کرده است و بعد از اینکه دشمن بر روی شما مسلط بود شما را با آن از دشمن در امان نگه داشت».

او بعد از چند روز داخل ولایت‌های دولت اسلامی در شام شد و در زیر پرچم امیرالمومنین ابوبکر البغدادی حفظه الله تعالی جهاد با کفار را آغاز کرد و مردانه جنگید و از استعدادهایش در راه عزت و شرف مسلمین بهره گرفت.

آنجا بود که لیاقت‌های خودش را نشان داد و خیلی زود تبدیل به یکی از نیروهای امنیتی زبده‌ی خلافت شد در حالی‌که برای بدست آوردن چنین مقامی حریص نبود و در هیچ روزی هدف او بدست آوردن مقام و منصب نبود هدف او فقط اعلای کلمه‌ی لا اله الا الله بود. بعد از چندین سال جهاد بالأخره در سرزمین شام در ربیع الأول سال ۱۴۳۹ توسط بمباران صلیبی‌ها بر ولایت خیر به شهادت رسید، و باذن الله با ریخته‌شدن اولین قطره از خون خود شامل این حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم شد:

از عبادة بن صامت روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «إِنَّ لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللهِ سَبعَ خِصَالٍ: أَن يُغْفِرَ لَهُ فِي أَوّلِ دُفْعَةٍ مِنْ دَمِهِ، وَيَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنّةِ، وَيُحَلّى عَلَيْهِ حُلّةُ الْإِيمَانِ، وَيُجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَيَأْمَنُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ، وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ

الْوَقَارِ؛ الْيَاقُوتَةُ مِنْهُ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَيُزَوَّجُ اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ زَوْجَةً مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، وَيُشَفَّعُ فِي سَبْعِينَ إِنْسَانًا مِنْ أَقَارِبِهِ».[1]

ترجمه: «شهید نزد خدا هفت امتیاز دارد: با ریخته‌شدن اولین قطره‌ی خونش گناهانش بخشیده می‌شود؛ و جایگاهش را در بهشت می‌بینند؛ و لباس ایمان به او پوشانده می‌شود؛ و از عذاب قبر محفوظ مانده و از فزع اکبر در امان می‌ماند و بر سرش تاج وقار گذاشته می‌شود که یاقوتی از آن از دنیا و آنچه در آن است بهتر است؛ و هفتاد و دو زن از حوریان بهشتی را به ازدواجش در می‌آورند؛ و برای هفتاد نفر از نزدیکانش شفاعت می‌کند».

الله از او قبول کند. از ویژگی‌های بارز او می‌توان مهربان بودنش را یادآور شد که او نسبت به برادران مسلمانش بسیار حنون و اهل لطف بود، و نیز می‌توان شدت و غلظت او را در برابر کفار نام برد. شیخ جمال از جمله کسانی بود که به شیخ ابومحمد فرقان و شیخ ابومحمد عدنانی خیلی نزدیک بودند، از سوابق اعلامی او نیز این بود که مؤسس ایرانی‌های حامی خلافت که اولین بار در فیسبوک بود ایشان بودند و همچنین کسی بودند که اعلام رسمی فارسی که زمانی بدست ایشان بود و با مدیریت ابوسیاف ایرانی تأسیس شد که بعدا اسم آن به نهاوند تبدیل شد که تا به الان نیز ادامه دارد؛ هرچند الان رسمی نیست. الله تعالی از برادر شهید ما شهادتش را قبول کند و ۷۲ حوری را به ازدواجش در بیاورد و ما را نیز به او ملحق کند آمین یا رب العالمین.

ابودعاء خراسانی ، ربیع الاول ۱۴۳۹

۱- به روایت احمد و طبرانی، و اسناد احمد، حسن است.

